

انعکاس

یک نگاه

دکتر جعفر شادانی چندروزی است پدر احمد متوجه تغییر رفتار و گفتار پسرش شده است. پسر با ادب او این روزها کلماتی رابه کار می برد که چندان شایسته جوان های مودب نیست. به همین دلیل تصمیم می گیرد یکی دوبار رفت و آمدهای او را کنترل کند. او پس از مدتی متوجه می شود پسر محصلش پاییکی از بچه های محله سابق شان که چندان سابقه خوبی ندارد، دوست شده است. چند بار به پسرش تذکر می دهد که دوستی او برای تو آینده خوبی ندارد و پسر گرچه در ظاهر به پدرش «چشم» می گوید اما در باطن خود را یک مرد کامل حساب می کند، نیشخندی به پدر می زند و می گوید: «امروزه جوان ها آزادند و می دانند چه می کنند. کسی که من برای دوستی خودم انتخاب کرده ام چه ایرادی دارد؟ فقط اهل حال است، چرا پدر و مادر او این قدر که تو به من سخت می گیری، سخت نمی گیرند. مگر نه این که جوان ها باید آزاد باشند...؟!» با همین تصورات غلط به دوستی خودبا بچه محل سابق شان ادامه می دهد...
ظاهر یک روز گرم بهاری دوست ناباب از او می خواهد که از مقابل دبیرستان دخترانه ای رد شوند. احمد بر خلاف آثار منفی که این دوست روی او گذاشته است، این خواسته را نمی پذیرد اما اصرار دوستش به این که آدمی ترسو است او را تحریک می کند و به دنبال دوست ناباب به راه می افتد... باصدای زنگ مدرسه دخترانه همه های در خیابان ایجمادی شود. هر کس به راهی می رود و احمد بی آن که بداند چه می کند به دنبال دوست اش به راه می افتد. چند قدمی بیشتر نرفته اند که نگاه دوست ناباب احمد نگاه جوان دیگری را که در گوشه خیابان ایستاده نشانه می رود. آن دو ناخواسته نگاه چپی به هم می کنند هر دو مدعی می شوند که آن دیگری بی خود نگاه کرده است. هر کدام دیگری را مزاحم ناموس مردم می خواند و در یک آن همه چیز به هم می ریزد. مداخله احمد و دیگران نیز مانع درگیری آن ها نمی شود. فوران خون از سینه جوان ناشناس و عقب عقب رفتن دوست ناباب احمد که چاقو به دست دارد، اضطراب و نگرانی را در چهره حاضران پدیدار می کند. دوست ناباب فرار می کند و جوان مصدوم پس از انتقال به بیمارستان جان می دهد... احمد که نتیجه دوستی ناباب و توجه نکردن به تذکرات پدرش را این گونه ببیند، فوراً با ماموران همکاری می کند تا دوست فراری نابابش که دستش آغشته به خون انسان بی گناهی شده است، دستگیر شود...
وقتی از جوان قاتل بازجویی می کنم مشخص می شود او مدت هاست به مواد معتدیه پیداکرده و دو وقتی علت قتل را از او می پرسم سه روزی می اندازد و گریه می کند: «من اشتباه کردم، درگیری من با مقتول تحت تاثیر مواد مخدر بود، آن هم به خاطر یک نگاه، نگاهی چپ به صورت هم...».

شلیک تیر خلاص به برادر در خودروی لوکس!

مرد جوان در اقدامی تلخ با برادرش سوار بر خودروی آژا در شرق تهران شدو او را با شلیک دو گلوله به قتل رساند. پدر این خانواده از حق خودش گذشت و برای پسرش خواستار بخشش شد اما دختر قربانی جنایت خواستار اعدام عمویش است. عقر به ها ساعت ۱۱ شامگاه ۲۶ فروردین سال ۹۷ را نشان می داد. ماموران کلانتری ۱۴۴ جوادیه تهرانپارس در حال گشت زنی در نزدیکی چهارراه اتحاد بودند که با خودروی آژرای سفید رنگی که چراغ هایش روشن و در سمت شاگرد باز بود، روبه رو شدند. با توجه به مر موز بودن صحنه، تیم پلیسی به سمت خودروی آژرا رفت و با صحنه عجیبی روبه رو شد. مرد جوانی پشت فرمان خودرویش هدف دو گلوله مرگبار قرار گرفته و همین کافی بود تا تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران همراه بازپرس ویژه قتل در محل حاضر شوند.

بررسی ها نشان از آن داشت که قاتل از سمت شاگرد اقدام به تیراندازی کرده و راننده را از ناحیه سینه و پهلو هدف گلوله قرار داده است. تیم پلیسی در بررسی لباس راننده خودرویک شناسنامه به دست آور دندو مشخص شد قربانی جنایت، کیوان ۳۸ ساله است.

■ **نخستین سرخ**

کار آگاهان در این شاخه از تحقیقات به بررسی دور بین های مدار بسته در نزدیکی محل جنایت

پرداختند که مشخص شد ساعت ۲۲:۳۰ خودروی آژرا در کنار خیابان توقف می کندو سپس مرد جوانی با لباس سفید رنگ و پس از شلیک گلوله از خودرو پیاده می شود و پس از بررسی محل بار دیگر به سمت خودرو می رود و برای اطمینان از کشته شدن راننده گلوله دیگری شلیک می کند.

قاتل در ادامه و پس از شلیک گلوله از خودرو پیاده می شود و به سمت دیگر خیابان می رود و سوار خودروی زانتیا می شود و پس از دقایقی برای اطمینان بار دیگر به سراغ راننده خودروی آژرا می رود و با اطمینان از مرگ مرد جوان سوار بر خودروی زانتیا می شود و پا به فرامی گذارد.

■ **دستگیری قاتل**

همین سرخ کافی بود تا ماموران با بررسی شماره پلاک خودروی زانتیا، مشخصات قاتل را که برادر قربانی این جنایت است، به دست آورند. صبح روز ۲۷ فروردین این مرد در خانه اش در منطقه تهرانپارس دستگیر شد و در بازرسی از خانه اش تفنگ کلت کمری به دست آمد. مرد برادر کش که راهی جز اعتراف نداشت به ماموران گفت: یک مغازه لوازم خانگی داشتم و زندگی خوبی را در کنار همسر و سه فرزند می گذراندم تا این که مهر ۹۶ تصادف کردم و یکی از پاهایم شکست و دیگر نتوانستم مثل همیشه به محل کارم بروم.

وی افزود: سند مغازه به نام پدرم بود و بابت

پسر جوان که ۱۳ سال قبل در دوتل خونین پارک دست به قتل زده بود، با آزادی از زندان باز قاتل شد و دوباره توانست از قصاص رهایی یابد.

■ **قتل در پارک**

رسیدگی به این پرونده از ششم اسفند سال ۹۷ به دنبال وقوع درگیری خونین در پارک جوانمردان شهر ری آغاز شد. شواهد نشان می داد درگیری چند پسر جوان در پارک به خون ریزی کشیده و امید ۲۷ ساله با ضربه چاقو به سینه اش کشته شده است. جسد امید با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و پلیس به تحقیق پرداخت.

■ **ردیابی قاتل فراری**

در بررسی ها روشن شد عامل جنایت امیر نام دارد که به محل نامعلومی گریخته است. ردیابی امیر آغاز شد و وی دو ماه بعد در حالی که به خانه خواهرش رفته بود در دیابابی بازداشت شد و به قتل اعتراف کرد.

پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری

فرستاده شده بود که امیر توانست با پرداخت دیه رضایت اولیای دم را جلب کند و از قصاص رهایی یابد.

■ **در دادگاه**

وی دیروز از جنبه عمومی جرم در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

امیر در تشریح جزئیات ماجرا گفت: من در مغازه صافکاری کار می کردم قبلاً چند بار با امید درگیر شده بودم. او بچه محل مان بود که آخرین بار با من تماس گرفت و از من خواست برای تسویه حساب به پارک بروم. وی ادامه داد: وقتی به آن جا رفتم امید و دوستانش مشروب خورده و مست بودند. امید به محض روبه رو شدن با من به سمت حمله کرد و با چاقو به دستم زد. دوستان هم حمله سمت آمدند و من برای دفاع از خودم دوضربه چاقو به او زدم. وقتی امید روی زمین افتاد از ترس فرار کردم.

وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود

بررسی حوادث



اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران مراجعه کردند.

پدر قربانی جنایت و قاتل از طرف خودش و نوه کوچکش که قیمومیت او را برعهده دارد درباره حکم صادر شده اعلام بخشش کرد اما دختر ۱۳ ساله کیوان، خواستار قصاص (اعدام) عمویش شد.

بنا به این گزارش، با توجه به این که دو تن از اولیای دم حاضر به بخشش شده اند، دختر مقتول برای اجرای حکم باید تفاضل دیه را پرداخت کند تا این حکم به اجرا برسد. به همین دلیل پرونده برای اجرای حکم باید منتظر تصمیم نهایی یا پرداخت تفاضل دیه این دختر باشد.

این مرد در قتل دوم هم یخشیده شد

رهایی از قصاص برای جنایت دوم

او شد. من واقعاً با شاگرد مغازه خصوصی نداشتم و راضی به مرگش نبودم، به همین دلیل خانواده اش با دریافت ۱۵۰ میلیون تومان از قصاص گذشتند و من به پنج سال زندان محکوم شدم. من یک سال را در زندان رایجی شهر سپری کردم و آزاد شدم. این متهم روبه قضات گفت: من آن زمان به زندگی عادی برگشتم و فکرش را هم نمی کردم که یک بار دیگر دست به قتل بزنم. حالا فهمیده ام مرتکب اشتباه بزرگی شده ام و دیگر نمی خواهم دعوا کنم. من قبل از درگیری با دختری نامزد کرده بودم. در مدتی که در زندان هستم نامزدم برای آزادی ام به انتظار نشسته است. می خواهم با آزادی از زندان از دواج کنم و زندگی ام را سرو سامان ندهم. من قول می دهم دیگر دعوا نکنم. در پایان جلسه، قضات دادگاه وارد شور شدند تا برای وی حکم صادر کنند. امیر طبق ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی به سه تا ۱۰ سال زندان محکوم خواهد شد.

گفت: من واقعاً قصد کشتن امید را نداشتم و برای دفاع از خودم چاقو کشیدم. او مست بود و حالت طبیعی نداشت که به سمتم حمله ور شد.

این متهم که آثار چاقو خوردگی روی صورت و گردنش نمایان بود، درباره جلب رضایت اولیای دم به قضات گفت: خانواده ام با فروختن خانه شان و با پرداخت ۵۰۰ میلیون تومان نتوانستند رضایت خانواده امید را جلب کنند. من هشت ماه است که در زندان هستم و حالا از قضات دادگاه تقاضا دارم در مجازات تخفیف قاتل شوند.

■ **جنایت ۱۸ سالگی**

وی درباره پرونده قتل سابقش نیز توضیح داد: ۱۲ سال قبل وقتی هنوز ۱۸ سالم تمام نشده بود، دوستم را ناخواسته کشتم. من آن زمان در یک مغازه صافکاری در شهرری شاگرد بودم. من و شاگرد دیگر مغازه در حال شوخی با هم بودیم که پیچ گوشنی ناخواسته به سر شاگرد صافکاری فرو رفت و موجب مرگ

آموزش سرقت برای ۴ مسافر جویای کار در پایتخت!



که خودروی افشین توسط ماموران شناسایی شد و در یک عملیات غافلگیرانه و قبل از این که این جوان به فکر فرار بیفتد، مسیر برای او بسته و افشین به ناچار تسلیم ماموران شد. افشین پس از دستگیری، به ارتکاب سرقت با همدستی سه تن از دوستانش اعتراف کرد و در ادامه ماموران قبل از این که همدستان افشین به اطلاع از دستگیری او پا به فرار بگذارند، در یک عملیات غافلگیرانه آنان را دستگیر کردند. متهمان از سوی شاکیان پرونده شان شناسایی شدند و وقتی دیدند راهی جز اعتراف ندارند سرگذشت شان را که توسط یک مرد آموزش های سرقت را آموخته و دست به سرقت زده اند، فاش کردند. بنا به این گزارش، تحقیقات برای دستگیری مرد ناشناس، در دستور کار ماموران پلیس تهران قرار دارد.

چرب زبانی به افشین پیشنهاد داد تا خودرویش را به مبلغ ۱۰ میلیون تومان به او بفروشد و پسر جوان که نمی خواست دستگیر شود، این پیشنهاد را پذیرفت و با دریافت ۱۰ میلیون تومان خودرو را تحویل مریی سرقت هایشان داد. افشین در گام بعدی با پول دریافتی و پس اندازی که داشت یک خودروی پراید دیگر خرید و تصمیم بر آن شد تا مدتی برای پنهان ماندن سرقت هایشان دست به دزدی بزنند.

■ **دستگیری افشین**

ماموران در بررسی های فنی و اطلاعاتی بی بردند که افشین یک خودروی دیگر خریده است و با توجه به این که هیچ آدرسی از متهم در دست نبود، شماره پلاک خودروی افشین به دستور بازپرس پرونده از دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، در سامانه پلیس ثبت شد. تجسس های پلیسی ادامه داشت تا این

آخرین لحظه فرار دزدان موفق به برداشتن شماره پلاک خودرویشان شد. همین سرخ کافی بود تا تیم پلیسی برای دستگیری صاحب پراید وارد عمل شود و در این مرحله مشخصات افشین که از شهر خودشان به تهران آمده بود به دست آمد.

■ **فروش پراید**

افشین و دوستانش پس از سرقت از وکیل جوان وقتی به مخفیگاهشان بازگشتند متوجه شدند که در زمان سرقت پلاک را مخدوش نکرده بودند و از مرد جوان کمک خواستند. مرد جوان وقتی پا در خانه شاگردانش گذاشت متوجه شد که چهار پسر جوان قبل از سرقت شروع به خوردن مشروبات الکلی کرده و در حالت مستی دست به این دزدی زده اند و در یک قدمی لو رفتن نقشه هایشان قرار دارند. مرد جوان در این مرحله با

از اجرای نقشه پلاک پراید را مخدوش کنند و بدین ترتیب سناریوی زورگیری های این چهار دوست به اجرا در آمد. سارقان در ابتدا دو طعمه را در نقشه هایشان گرفتار کردند اما برای کار به تهران سفر کردند، هر کدام به صورت جداگانه به دنبال کار در تهران گشتند و شب بعد از انجام کار هایشان در همان پراید سفید رنگ یا در پارکینگ ترمینال جنوب می خوابیدند تا این که پس از مدتی صاحب پراید که افشین نام دارد با مرد جوانی آشنا شد. مرد جوان وقتی دید چهار پسر جوان شب ها داخل خودرو می خوابند پیشنهاد عجیبی را پیش روی آن ها قرار داد و ادعا کرد به آن ها جای خواب می دهد و به جای پرداخت پول از آن ها خواست تا هر شب یک گوشی سرقتی تحویل او بدهند. چهار پسر جوان پس از مشورت با یکدیگر تصمیم گرفتند برای این که شب هادر اتاقی راحت استراحت کنند، پیشنهاد مرد غریبه را بپذیرند.

■ **آموزش سرقت**

با توجه به افزایش این سرقت ها در منطقه میدان آزادی، تیمی از ماموران پلیس تهران برای دستگیری دزدان وارد عمل شدند و گام نخست پی بردن به دزدان با مخدوش کردن شماره پلاک خودرویشان و سرخ پلیسی را از بین برده اند.

تجسس های فنی و پلیسی ادامه داشت تا این که یک وکیل دادگستری را با حضور در اداره پلیس از گرفتار شدنش در دام زورگیران مسافر کش نما خبر داد. این مرد به ماموران گفت: قصد رفتن به خانه را داشتم که سوار بر خودروی پراید سفید رنگی شدم چهار پسر جوان که داخل خودرو بودند با تهدید به سرقت گوشی موبایل و وسایل با ارزش و پول هایم اقدام سپس مرا راه کردند. وی افزود: وقتی از خودروی دزدان نجات پیدا کردم، در

چهار بچه محل که از شهر شان به تهران آمده بودند، از سوی یک مرد آموزش سرقت دیدند. چندی قبل چهار پسر جوان از یکی از شهر های غربی کشور سوار بر پرایدی سفید رنگ برای کار به تهران سفر کردند، هر کدام به صورت جداگانه به دنبال کار در تهران گشتند و شب بعد از انجام کار هایشان در همان پراید سفید رنگ یا در پارکینگ ترمینال جنوب می خوابیدند تا این که پس از مدتی صاحب پراید که افشین نام دارد با مرد جوانی آشنا شد. مرد جوان وقتی دید چهار پسر جوان شب ها داخل خودرو می خوابند پیشنهاد عجیبی را پیش روی آن ها قرار داد و ادعا کرد به آن ها جای خواب می دهد و به جای پرداخت پول از آن ها خواست تا هر شب یک گوشی سرقتی تحویل او بدهند. چهار پسر جوان پس از مشورت با یکدیگر تصمیم گرفتند برای این که شب هادر اتاقی راحت استراحت کنند، پیشنهاد مرد غریبه را بپذیرند.

سپس دوست نوید روبه روی قضات ایستاد و گفت: من اتهام معاونت در قتل را قبول ندارم. من چاقویی نداشتم تا به دست نوید بدهم. خانواده من در ایران نیستند و به همین دلیل ناتوانی در سپردن وثیقه پنج سال است که در زندان مانده ام. من بی گناهم. بنابر این گزارش، با پایان دفاعیات دو متهم، قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

نوید در ۱۵ سالگی قاتل شد

داستان سربایی دروغین عامل ۲ جنایت خونین

سپس نوید که حالا ۲۰ سال دارد و از کانون اصلاح و تربیت به دادگاه منتقل شده بود جرمش را انکار کرد و گفت: من برای دیدن مسابقه کشتی به ورزشگاه رفته بودم که پس از مدت ها پسر خاله ام را آن جادیدم. من و پسر خاله مدت ها بود با هم قهر بودیم. من حتی با او احوالپرسی نکردم. بعد از پایان مسابقه کشتی از ورزشگاه خارج شدم و آن جا بود که شنیدم چند نفر در ورزشگاه با هم درگیر شده اند. من پسر خاله ام را نکشتم و نمی دانم چه کسی او را کشته است. پلیس بی دلیل مرا دستگیر کرده است. قاضی گفت: پس چرا قربانی قبل از مرگش تو را به عنوان عامل جنایت معرفی کرده است و چند شاهد نیز تو را دیده اند که ضربه به مرگبار را به سینه مقتول زدی؟!

نوید پاسخ داد: شاهدان با من و خانواده ام خصومت قبلی داشتند به همین دلیل با دروغ گویی من را به درسر انداختند. پسر خاله ام هم قبل از مرگش به خاطر خصومتی که با من داشت مرا به پلیس معرفی کرد.

■ **راز گشایی از جنایتی دیگر**

سپس قاضی دادگاه ادامه داد: در استعلام از سفارت افغانستان مشخص شده تو متهم هستی که ۸۵ روز قبل

